

تدوین الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم استان آذربایجان شرقی

نوع مقاله: پژوهشی

کیوان ولی پوریان محجوبی^۱

ناصر فقهی فرهمند^۲

سلیمان ایران زاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۹

چکیده

هدف این پژوهش تدوین الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم استان آذربایجان شرقی می‌باشد. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی بوده و از نظر ماهیت انجام از نوع کیفی بود که از روش مصاحبه و داده‌بنیاد بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه مدیریت و حسابداری استان آذربایجان شرقی را شامل شد. با توجه به اصول روش‌های کیفی، ۲۰ نفر از خبرگان جهت مصاحبه تحقیق انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA بهره گرفته شد. بر اساس نتایج تحقیق جمعاً ۹۴ زیر مقوله در ۳۰ کد و در نهایت ۵ مقوله اصلی (کارآمدی تصمیمات مالی، کارآمدی سواد مالی، کنترل و کاهش هزینه‌ها، راهبردهای مؤثر، پیامدهای مدیریت هزینه) تعیین شدند. بر اساس روش مصاحبه استخراج شد.

کلید واژه‌ها: تصمیمات مالی، سواد مالی کارآمد، مدیریت هزینه‌ها، صنعت کفش و چرم

طبقه بندی JEL: G41, G39, G31

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

kvalipour20@gmail.com

^۲ دانشیار، گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

farahmand@iaut.ac.ir

iranzadeh@iaut.ac.ir

^۳ استاد، گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مقدمه

مدیریت هزینه یکی از جنبه‌های قابل توجه محققین در حوزه مدیریت است. هزینه در واقع یکی از پارامترهای تعیین موفقیت به‌جز کیفیت و زمان است و یکی از حوزه‌های دانش در مدیریت پروژه است. با این وجود، شواهد زیادی مبنی بر عملکرد ضعیف مدیریت هزینه در سطح صنعت وجود دارد که عمدتاً با افزایش هزینه‌ها نشان داده می‌شود (اوکرک ۱ و همکاران، ۲۰۲۲) و این مسئله منجر به زیان و سایر مشکلات مرتبط با جریان نقدی ضعیف در نتیجه مدیریت هزینه ضعیف می‌شود. عدم توجه به این چالش، بدان معناست که صنعت کارایی، کیفیت و دقت مدیریت هزینه را نمی‌تواند در فریند مالی خود قرار دهد و سبب آن می‌شود که رویکردهای ضعیف مدیریت هزینه زمینه عملکرد ضعیف صنعت را در پی داشته‌باشد (تمبو ۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

مدیریت هزینه‌ها امروزه یکی از راهبردی‌ترین زمینه‌های نیل به موفقیت مالی و عملکرد سازمانی شرکت‌ها در بازار رقابتی می‌باشد. چرا که به‌واسطه مدیریت هزینه‌ها، نه‌تنها به‌صورت علمی می‌توان به تخصیص دقیق هزینه‌ها به فعالیت‌های مثمر پرداخت، بلکه به‌واسطه مدیریت هزینه‌ها، به انتخاب بهترین مسیر و استراتژی درآمدزا برای شرکت می‌توان دست‌یافت. در مدیریت هزینه‌ها، اندازه‌گیری بهای تمام شده منابعی که در راه انجام فعالیت‌های اصلی، تشخیص و حذف اقلامی از هزینه که ارزش افزوده ایجاد نمی‌کنند، تعیین کارایی و اثربخشی فعالیت‌های اصلی انجام شده در واحدهای اقتصادی، تشخیص و ارزیابی فعالیت‌های جدیدی که می‌توان عملکرد آینده سازمان را بهبود بخشد در راستای بهبود عملکرد مد نظر می‌باشند (کمالی، ۱۳۹۷).

امروزه درک مفاهیم و مهارت‌های مرتبط با سواد مالی به سبب اینکه مصرف‌کننده را برای بقاء در جامعه مدرن و مقاومت در برابر تنوع و پیچیدگی محصولات و خدمات مالی موجود، توانا می‌سازد، ضروری شده‌است (استار و همکاران، ۲۰۲۰). سرمایه‌گذاری امروزه به یک زمینه پویا و پرچالش تبدیل شده‌است. یک تصمیم مالی موفق به میزان زیادی به سطح سواد و اطلاعات و سواد مالی فرد بستگی دارد. از نظر تجربی، لین و بیتس ۳ (۲۰۲۲) دریافتند که وجود سواد مالی حتماً به دلیل آموزش رسمی اقتصادی نیست، به این معنی که سواد مالی ممکن است حداقل تا حدی، یک توانایی شناختی واقعی باشد، یعنی صرفاً نتیجه مرتبط با تحصیلات امور مالی نباشد. از سوی دیگر نیز کالیس ۴ و همکاران (۲۰۲۳) این‌گونه تفسیر کردند که نشان می‌دهد سواد مالی ممکن است با

۱ Okereke

۲ Tembo

۳ Lin and Bates

۴ Callis

دانش جامع و دانش مالی همسو باشد. مطالعات نشان می‌دهد که مدیریت دانش به‌طور غیرمستقیم با سواد مالی مرتبط است (اوترو و همکاران، ۲۰۲۲). لذا اعتبار نبخشیدن به این موضوع مانع از بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها در راستای کنترل هزینه‌ها خواهد بود (گیگناس و استوینز، ۲۰۲۴). افراد و مؤسسات دارای سواد مالی این قابلیت و توانایی و نیز اعتماد به نفس را دارند تا به واسطه اتخاذ تصمیمات مطلوب و نیز برنامه ریزی بلند مدت در راستای امور مالی، موضوعات مالی شخصی خود را مدیریت نمایند که این امر بدون در نظر داشتن رویدادها و تغییر شرایط اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد (کریستلز ۳ و همکاران، ۲۰۱۹). دارا بودن مهارت‌های مرتبط با سواد مالی افراد را قادر می‌سازد تا تصمیماتی آگاهانه در مورد سرمایه مالی خود اتخاذ نموده و میزان احتمال هرگونه سوء مدیریت مالی و نیز پیامدهای منفی مرتبط با آن را به حداقل رساند (دوب و سینگ، ۲۰۱۶).

از جمله مسائلی که اهمیت بحث تصمیمات مالی را نشان می‌دهد. این است که، تصمیم مدیر می‌تواند عملکرد و رفتار کارکنان را به سمتی هدایت کند که با اهداف سازمان مطابقت داشته‌باشد؛ چرا که تصمیمات مدیر، بیان‌گر اهداف سازمان و منعکس‌کننده است. بنابراین تصمیم‌گیری مدیر، به کارکنان کمک می‌کند تا این اهداف را بهتر دریابند. همچنین تصمیمات مدیر، رفتار عالی و نوع عملکردی را که از افراد در مشاغل مختلف سازمانی انتظار می‌رود، معین می‌کند. توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر در استفاده از منابع پولی و مدیریت آن سواد مالی گفته می‌شود (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰). مجموعه دانش درک امور مالی است که شامل بررسی پدیده‌های مالی، ماهیت، قوانین و روابط حاکم بر آن می‌باشد. عدم درک اقتصاد و امور مالی، یک عامل بازدارنده برای مالکیت سهام است، از دست رفتن رفاه، ناشی از عدم مشارکت در بازارهای سرمایه، در اثر فقدان سواد مالی بسیار قابل توجه است. واضح است که سرمایه‌گذاران ناآگاه و فاقد سواد مالی کافی، قادر به استفاده کامل از بازار مالی و انتخاب عاقلانه، که منجر به سرمایه‌گذاری کارآمد خواهد شد، نخواهند بود (ون روژ و لوساردی، ۲۰۱۱).

مطالعات بیان شده مؤید مطالب بیان شده‌است؛ طوطیان و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی رابط، بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتیجه گرفتند که

۱ Otero

۲ Gignac and Stevens

۳ Christelis

۴ Deb and Singh

۵ VanRooij & Lusardi

بین راهبردهای خودکنترلی، راهبردهای سواد مالی مدیران (مدیریت پول و پس‌انداز، مدیریت تأمین مالی و اعتباری و برنامه ریزی سرمایه‌گذاری) و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارتباط آماری معناداری وجود دارد. اسلامی مفید آبادی و همکاران (۱۳۹۹) در طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌های مالی مشارکت کنندگان خرد و کلان نظام مالی در راستای توسعه بازارهای مالی ایران پرداختند. رحمانی نوروزآباد (۱۳۹۸) به بررسی پیامدهای سواد مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری پرداخته و نتیجه گرفت که تأثیر نگرش مالی و رفتار مالی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران مثبت و معنادار است. همچنین تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سرمایه‌گذاری دارد. کائو و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل رفتاری بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران فردی و عملکرد سرمایه‌گذاری در بازار سهام ویتنام نتیجه گرفتند که رفتار اکتشافی، چشم‌انداز، بازار و رفتارگله‌ای بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری تأثیر معنادار مثبت دارد. همچنین، عوامل فوق‌تأثیر مستقیم (مثبت) بر عملکرد سرمایه‌گذاری دارد؛ به‌ویژه، عامل چشم‌انداز قوی‌ترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری دارد. یافته‌های اصلی این پژوهش گویای نقش مهم رفتار اکتشافی، چشم‌انداز، بازار و رفتارگله‌ای بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و عملکرد سرمایه‌گذاری است. ستار و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، در پژوهشی تحت عنوان تأثیر سوگیری‌های مالی رفتاری در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری نتیجه گرفتند که سوگیری‌های رفتاری بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری تأثیر معناداری دارد. همچنین، نتایج تجربی این پژوهش بیانگر تأثیرگذاری بیشتر رفتارهای اکتشافی نسبت به چشم‌اندازها و ویژگی‌های شخصی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاری است. اریکات و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان تأثیر مالی رفتاری بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران حقیقی در بورس عمان نتیجه گرفتند که عوامل مالی رفتاری شامل زیان‌گریزی، اطمینان بیش از حد و رفتار گله‌ای بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری در افراد تأثیر معناداری دارد.

از دیدگاه فونسیکا^۴ و همکاران (۲۰۱۲) تصمیمات مالی نسبت به سطح تحصیلات زنان و مردان در حال پیشرفت دارای حساسیت است و به‌شکل مثبتی بر روی پیشرفت و توسعه تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب ارزش و اهمیت اطلاعات مشخص می‌گردد. یعنی اگر به مدیر اطلاعات غلط و نامربوط داده شود، تصمیمات او به‌طور قطع دارای اشتباه خواهد بود. ولی اگر به مدیر اطلاعات صحیح و

۱ . Cao et al.

۲ . Sattar et al.

۳ . Areiqat et al.

۴ Fonseca

مربوط داده شود، تصمیمات او به طور قطعی نه، ولی به احتمال زیاد دارای صحت و تناسب لازم برای سازمان، خواهد بود، البته به شرط آنکه توان تصمیم گیری و به کارگیری اطلاعات در مدیر وجود داشته باشد. اطلاعات درون هر سیستم در هر لحظه از زمان دارای ساختی است که دانش و آگاهی آن سیستم را تشکیل می دهد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه ها در صنعت به چه صورت خواهد بود؟

۱- روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی بوده و از نظر ماهیت انجام از نوع کیفی بود که از روش مصاحبه و داده بنیاد بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق شامل اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه مدیریت و حسابداری استان آذربایجان شرقی را شامل شد. با توجه به اصول روش های کیفی، ۲۰ نفر از خبرگان جهت مصاحبه تحقیق انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار MAXQDA بهره گرفته شد. تجزیه و تحلیل روش گراند تئوری در این تحقیق توسط نرم افزار MAXQDA انجام خواهد شد. برای تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از سه نوع کدگذاری استفاده خواهد شد که عبارتند از: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

در کدگذاری باز، ابتدا محتوای کلیه مصاحبه ها پیاده سازی و سپس کدگذاری باز آنها به روش کدگذاری نکات کلیدی انجام خواهد شد. بدین ترتیب که داده ها جمع آوری شده در مصاحبه ها در فایل WORD مکتوب شده و سپس توسط نرم افزار MAXQDA تجزیه و تحلیل نوشته های موجود، کدهای باز ایجاد می گردد. کدگذاری باز خود شامل سه مرحله است:

کدگذاری باز مرحله اول، کدگذاری مرحله دوم، کدگذاری مرحله سوم

در کدگذاری باز مرحله اول: کدها شناسایی می شوند.

در کدگذاری باز مرحله دوم: برای هر کد توضیحی ارائه می شود.

در کدگذاری باز مرحله سوم: کدهای مرحله دوم به یکدیگر نزدیک هستند با هم ادغام شده و

تشکیل یک کد با عنوانی کوتاه می دهند (مارکی ۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در روش داده بنیاد است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین طبقات تولید شده در مرحله کدگذاری باز است. این عمل بر اساس مدل پارادایم انجام می شود و به نظریه پرداز کمک می کند تا فرآیند ایجاد نظریه را به سهولت انجام دهد. در

کدگذاری محوری، کدهای تولید شده در گام قبلی، توسط ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان این کدها به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این فرایند توسط تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از کدگذاری باز به‌دست می‌آید. بنابراین هدف از کدگذاری محوری، مرتب سازی رابطه میان هر مفهوم است (سون ۱، ۲۰۱۱). هنگام برقراری اتصالات در شبکه، لازم است بررسی شود که این مقوله‌ها به چه صورت با یکدیگر در ارتباط هستند. این مرحله توسط تشکیل شبکه‌ها جهت ایجاد ارتباطات بین مفاهیم، مقوله‌ها و مولفه‌ها انجام خواهد شد.

کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه سازی و بهبود مقوله هاست. نکته‌ای که در این مرحله از پژوهش باید مورد نظر قرار گیرد این است که در صورتی که هدف از پژوهش، تئوری سازی باشد، یافته‌ها در غالب مفاهیمی به هم مرتبط و نه صرفاً لیستی از موضوع‌ها ارائه شوند. ذکر این نکته ضروری است که همواره بیش از یک راه برای نشان دادن روابط وجود دارد. برای رسیدن به یکپارچگی مورد نظر لازم است پژوهشگر خط اصلی موضوع را تنظیم و با تعهد به آن شرح خط اصلی داستان بپردازد. در کدگذاری انتخابی، محقق یک اصل را کشف می‌کند و به‌طور منظم یک دسته اصلی را با دیگر دسته‌ها مرتبط می‌کند.

دسته اصلی باید ویژگی‌های زیر را داشته‌باشد: اول توسط کدهای ی که در مرحله کدگذاری محوری مرکزیت بیشتری دارند به‌دست آید، دوم باید بیشترین فراوانی را در فرآیند کدگذاری نشان دهد، سوم همه ارتباطات با مقوله‌ها باید به‌طور خود جوش انجام شود (زانگ و ما ۲، ۲۰۰۹).

۲- یافته‌های تحقیق

جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل اساتید دانشگاهی متخصص در زمینه مدیریت و حسابداری و مدیران و متخصصان صنعت کفش و چرم استان آذربایجان شرقی آگاه به موضوع پژوهش بودند و بر حسب انتخاب هدفمند تعداد ۲۰ نفر از این افراد به‌عنوان نمونه پژوهش مشخص گردیدند. اشباع داده یا اشباع نظری رویکردی است که در پژوهش‌های کیفی برای تعیین کفایت نمونه گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. جداول شماره ۱ و ویژگی نمونه‌های پژوهش حاضر در بخش کیفی را به نمایش گذاشته‌است:

جدول ۱: ویژگی نمونه‌های پژوهش در بخش کیفی

نمونه	جنسیت	تحصیلات	نوع خبرگی
-------	-------	---------	-----------

۱ Sun

۲ Zhang & Ma

۱	مرد	دکتری	هیئت علمی
۲	مرد	دکتری	هیئت علمی
۳	زن	دکتری	هیئت علمی
۴	مرد	دانشجوی دکتری	اساتید تدریس
۵	مرد	دکتری	هیئت علمی
۶	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۷	زن	دکتری	هیئت علمی
۸	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۹	مرد	کارشناسی	خبره صنعت کفش
۱۰	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۱۱	مرد	دکتری	هیئت علمی
۱۲	مرد	دکتری	هیئت علمی
۱۳	زن	دکتری	هیئت علمی
۱۴	مرد	دانشجوی دکتری	خبره صنعت کفش
۱۵	مرد	دکتری	هیئت علمی
۱۶	زن	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۱۷	زن	دکتری	هیئت علمی
۱۸	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش
۱۹	مرد	کارشناسی	خبره صنعت کفش
۲۰	مرد	کارشناسی ارشد	خبره صنعت کفش

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج پژوهش حاضر نشان داد ۷۵ درصد نمونه‌های پژوهش مردان و ۲۵ درصد نمونه‌های پژوهش را زنان تشکیل دادند. نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد ۶۰ درصد نمونه‌های پژوهش دارای مدرک دانشجویی و دکتری بودند. همچنین ۵۵ درصد نمونه‌های پژوهش عضو هیئت علمی دانشگاه و ۴۵ درصد نمونه‌های پژوهش خبره صنعت کفش بودند.

پژوهش حاضر در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختاریافته است. جهت بررسی روایی و اعتبارپذیری سؤالات مصاحبه‌ها به تأیید برخی اساتید آگاه به موضوع پژوهش و همچنین آگاه به روش پژوهش رسید تا میزان موثق بودن داده‌های پژوهش مورد تأیید قرار گیرد. همچنین جهت

بررسی انتقال‌پذیری، یافته‌های پژوهشی توسط دو متخصص در حیطه مورد نظر که در پژوهش مشارکت نداشتند، مورد بررسی قرار گرفت. همچنین جهت اطمینان‌پذیر جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری‌ها ثبت و ضبط شد.

از طرفی جهت بررسی معتبر بودن نیز تمامی متون ایجاد شده از مصاحبه‌ها و کدهای استخراج شده به مشارکت کنندگان پژوهش ارسال شد تا آنان دوباره متون و کدهای استخراج شده را مورد تأیید قرار دهند. در بخش ممیزی بیرونی یافته‌ها و پارادایم کدگذاری به سه نفر از اساتید حوزه مدیریت و حسابداری جهت اظهارنظر ارائه و تأییدیه آنها اخذ گردید. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شوند و هر کدام از آنها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه می‌شوند و از طریق میزان توافقات و عدم توافقات موجود در دو مرحله کدگذاری، شاخص ثبات برای آن پژوهش محاسبه می‌گردد. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهای ی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند با عنوان توافق و کدهای غیرمشابه با عنوان عدم توافق مشخص می‌شوند. شاخص پیشنهادی زیر را برای محاسبه پایایی بازآزمون بین کدگذاری‌های پژوهشگر در دو فاصله زمانی پیشنهاد داده است. جهت بررسی دقت کدگذاری انجام شده از روش کدگذاری بی طرف استفاده شد. در این روش از یک نفر که سابقه ذهنی از موضوع پژوهش ندارد خواسته می‌شود که متن مصاحبه‌ها را بررسی و کدگذاری مجدد نماید. بدین‌منظور متن پیاده سازی شده مصاحبه‌ها در هر مرحله به یک دکتری خارج از پژوهش ارائه گردید. از وی درخواست شد تا آنها را بر اساس ادراک خود کدگذاری نماید. در پایان به‌منظور بررسی توافق بین دو کدگذاری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS ضریب کاپا محاسبه گردید که نتایج آن در جدول ۲ ارائه گردیده‌است. اگر این ضریب در شرایط معناداری بالاتر از ۰/۶ باشد خوب و اگر بیش از ۰/۷۵ باشد بیانگر توافق عالی میان کدگذاران است. نتایج جدول زیر نشانگر این است که کیفیت کدگذاری انجام شده در این پژوهش از دقت بسیار مطلوبی برخوردار است.

جدول ۲: شاخص کاپا پژوهش

ضریب کاپا	انحراف از استاندارد	مقادیر معنی‌داری
۰,۷۸۵	۰,۰۵۹	۰,۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

جهت بررسی روایی از قابلیت باورپذیری (اعتبار)، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری استفاده گردید. بدین‌منظور محقق جهت بررسی قابلیت باورپذیری از تأیید فرایند پژوهش توسط هشت متخصص و همچنین استفاده از دو کدگذار جهت کدگذاری چند نمونه مصاحبه جهت کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران استفاده گردید. همچنین جهت بررسی انتقال‌پذیری از نظرات سه متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند، استفاده شد. همچنین جهت بررسی قابلیت تأییدپذیری از ثبت و ضبط تمامی مصاحبه‌ها و بررسی آنان در زمان‌های مورد نیاز استفاده گردید. روش آماری مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل روش کدگذاری بود. کدگذاری انجام شده در این پژوهش در سه بخش کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گردید. به‌منظور تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم از بررسی نظرات در قالب روش کیفی استفاده گردید.

در این تحقیق از روش مصاحبه جهت جمع‌آوری داده بهره گرفته شده‌است. مصاحبه‌ها توسط محقق به شیوه فرد به فرد و به‌صورت حضوری، در مدت ۳۰ دقیقه انجام شد. سؤالات در طی یک مصاحبه نیمه ساختاریافته مطرح شدند و افراد شرکت‌کننده به آنها پاسخ دادند. عبارات و نظرات مصاحبه‌شونده توسط دستگاه ضبط‌صوت، ضبط شد و پس از اتمام جلسه مصاحبه، لفظ به لفظ متن مصاحبه پیاده شد. در این پژوهش به‌منظور رعایت نکات اخلاقی قبل از شروع مصاحبه، فرد شرکت‌کننده از هدف انجام طرح و مصاحبه آگاه شد اطلاعات به‌دست آمده در مصاحبه بدون ذکر نام شرکت‌کنندگان استفاده شده‌است و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که گفته‌های ایشان محرمانه خواهد بود مصاحبه‌کننده از گفته‌های افراد شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها به‌طور دقیق و بدون هرگونه دخل و تصرف در صحبت‌های افراد استفاده کرده است. از آنجاکه روش جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق روش مصاحبه عمیق بود، سعی شد که مصاحبه‌ها با دقت و بدون سوگیری انجام شود تا به میزان کافی مطالب در مورد سؤالات پرسیده شود، به‌صورتی که اگر محقق دیگری در همان وضع یا وضع مشابه فرایند را تکرار کند به همان پاسخ‌ها یا پاسخ‌های مشابه دست یابد به عبارتی می‌توان گفت شیوه اصلی حفظ روایی و پایایی داده‌ها در این پژوهش، ثبت مصاحبه‌ها و تأیید توصیف‌های نهایی توسط متخصصین بود.

جدول ۳: مشخص کردن مقوله‌های اصلی و کدها

مقوله‌های اصلی	کدها
	اتکا به‌صورت و گزارشات مالی داشتن اطلاعات به‌روز بازار صنعت

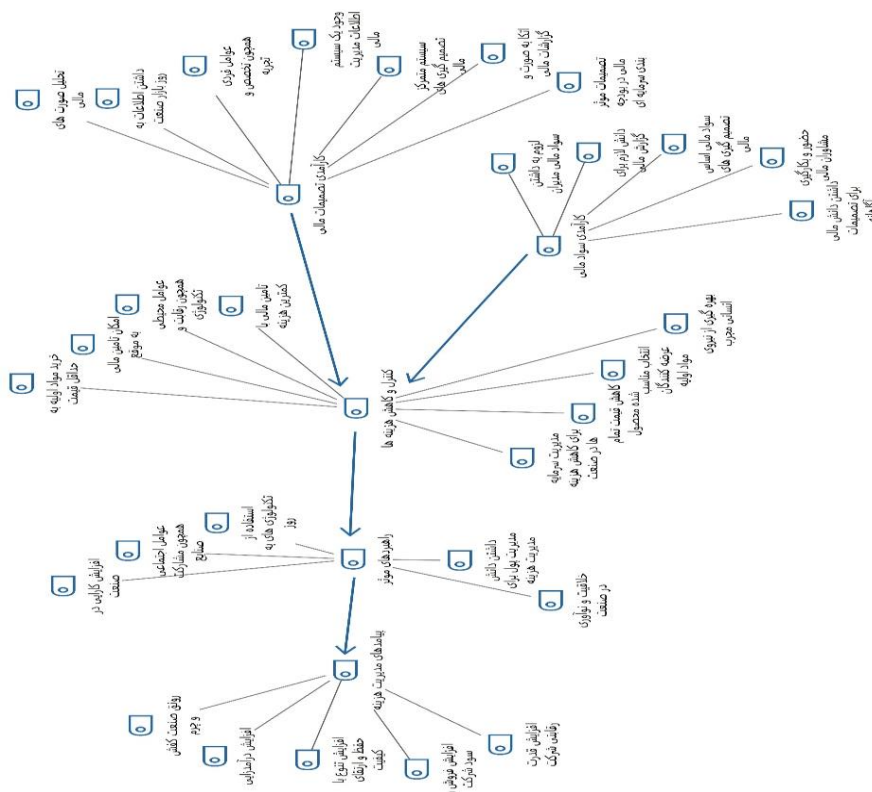
عوامل فردی همچون تخصص و تجربه وجود یک سیستم اطلاعات مدیریت مالی تحلیل صورت‌های مالی سیستم متمرکز تصمیم‌گیری های مالی تصمیمات مؤثر مالی در بودجه بندی سرمایه‌ای	کارآمدی تصمیمات مالی
لزوم به داشتن سواد مالی مدیران دانش لازم برای گزارش مالی سواد مالی اساس تصمیم‌گیری های مالی داشتن سواد مالی برای تصمیمات آگاهانه حضور و به‌کارگیری مشاوران مالی	کارآمدی سواد مالی
خرید مواد اولیه به حداقل قیمت امکان تأمین مالی به‌موقع عوامل محیطی همچون رقابت و تکنولوژی بهره‌گیری از نیروی انسانی مجرب تأمین مالی با کمترین هزینه انتخاب مناسب عرضه‌کنندگان مواد اولیه کاهش قیمت تمام شده محصول مدیریت سرمایه برای کاهش هزینه‌ها در صنعت	کنترل و کاهش هزینه‌ها
افزایش کارایی در صنعت عوامل اجتماعی همچون مشارکت صنایع داشتن دانش مدیریت پول برای مدیریت هزینه خلاقیت و نوآوری در صنعت استفاده از تکنولوژی‌های به‌روز	راهبردهای مؤثر
افزایش فروش و سود شرکت افزایش قدرت رقابتی شرکت رونق صنعت کفش و چرم افزایش درآمدزایی افزایش تنوع با حفظ و ارتقای کیفیت	پیامدهای مدیریت هزینه

منبع: یافته‌های تحقیق

۳- الگوی مفهومی تحقیق

هزینه یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم در هر کسب‌وکار است. مفهوم هزینه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در حسابداری هزینه عبارت است از مجموع مخارج اقتصادی که برای کسب

درآمد بیشتر به یک تجارت وارد می‌شود. بدین‌منظور هر کسب‌وکار و تجارتي به‌دنبال کنترل و در نهایت کاهش هزینه‌ها برای بهبود عملکرد خود خواهد بود. در واقع برای افزایش سود کسب‌وکار باید کاهش هزینه‌ها بدون کاهش میزان درآمد باشد. هزینه‌ها شاخصی بسیار مهم و اساسی در پیشبرد اهداف کسب‌وکار محسوب می‌شوند بنابراین برای این بخش مهم از حسابداری قوانین ویژه‌ای مطرح شده‌است. هزینه بسته به زمینه‌ی کاربرد آن، دارای معانی گوناگون و تعاریف مختلف است. در سیستم اطلاعات حسابداری، هزینه به‌طور کلی به‌شکل جریان خروج وجه نقد در گذشته یا تعهد پرداخت آن در آینده و یا انقضای ارزش و مصرف دارایی‌ها، تبلور می‌یابد. ایجاد و نگهداری یک فرهنگ هزینه‌یابی با عملکرد مطلوب در هر سازمان نیاز به فرایند، تلفیق و نظام بخشیدن به ابتکارات و اقدامات انجام شده در این زمینه (ایجاد یک سیستم هزینه‌یابی مطلوب) با خروجی مناسب و بهره‌برداری بهینه از انرژی کارکنان در هر سطح سازمان دارد و این فعالیت‌ها تنها باید در راستای فعالیت‌های عملیاتی شرکت باشد. مدیریت هزینه رویکردی سیستماتیک و ساختارمند برای درک هزینه‌های یک سازمان، با هدف فراهم کردن چارچوبی کلی برای کنترل، کاهش و یا حذف هزینه‌ها می‌باشد. همچنین می‌توان گفت مدیریت هزینه سیستمی است که از تصمیمات مدیریت پشتیبانی نموده و با به کار بردن اطلاعات در مورد هزینه به توسعه و شناسایی استراتژی‌های برتر که مزیت رقابتی را فراهم می‌کند، کمک می‌نماید. نکته مهم اینکه مدیریت هزینه باید بیش از اینکه کانون توجه خود را معطوف آمار و ارقام کند به اولویت بندی فعالیت‌ها و کاری که سازمان در برابر نیازهای عملیاتی و استراتژیک خود باید انجام دهد بپردازد. لذا الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم به‌صورت زیر قابل تبیین است:



مدل ۱: الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت
منبع: نتایج تحقیق

مطابق با مدل استخراجی که به تدوین الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کشف و چرم پرداخته شده‌است:

- کارآمدی تصمیمات مالی شامل:
 ۱. انگیزه صورت و گزارشات مالی
 ۲. داشتن اطلاعات به‌روز بازار صنعت
 ۳. عوامل فردی همچون تخصص و تجربه
 ۴. وجود یک سیستم اطلاعات مدیریت مالی
 ۵. تحلیل صورت‌های مالی
 ۶. سیستم متمرکز تصمیم‌گیری های مالی

۷. تصمیمات مؤثر مالی در بودجه بندی سرمایه‌ای
 - کارآمدی سواد مالی شامل:
 ۱. لزوم به داشتن سواد مالی مدیران
 ۲. دانش لازم برای گزارش مالی
 ۳. سواد مالی اساس تصمیم گیری های مالی
 ۴. داشتن سواد مالی برای تصمیمات آگاهانه
 ۵. حضور و به کارگیری مشاوران مالی
 ۶. کنترل و کاهش هزینه‌ها شامل:
 ۷. خرید مواد اولیه به حداقل قیمت
 ۸. امکان تأمین مالی به موقع
 ۹. عوامل محیطی همچون رقابت و تکنولوژی
 ۱۰. بهره گیری از نیروی انسانی مجرب
 ۱۱. تأمین مالی با کمترین هزینه
 ۱۲. انتخاب مناسب عرضه کنندگان مواد اولیه
 ۱۳. کاهش قیمت تمام شده محصول
- مدیریت سرمایه برای کاهش هزینه‌ها در صنعت
 - راهبردهای مؤثر شامل:
 ۱. افزایش کارایی در صنعت
 ۲. عوامل اجتماعی همچون مشارکت صنایع
 ۳. داشتن دانش مدیریت پول برای مدیریت هزینه
 ۴. خلاقیت و نوآوری در صنعت
 ۵. استفاده از تکنولوژی‌های به روز
 - پیامدهای مدیریت هزینه شامل:
 ۱. افزایش فروش و سود شرکت
 ۲. افزایش قدرت رقابتی شرکت
 ۳. رونق صنعت کفش و چرم
 ۴. افزایش درآمدزایی
 ۵. افزایش تنوع با حفظ و ارتقای کیفیت

۴- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی در مؤسسات تولیدی و صنعتی اتخاذ تصمیمات صحیح در راستای بهبود بهره‌وری (افزایش سود با ثابت نگه‌داشتن هزینه) است. یکی از مهم‌ترین اقدامات در این راستا، شناسایی و مدیریت هزینه‌ها است. در واقع مدیریت هزینه در حسابداری، تصمیم‌گیرندگان را قادر می‌سازد تا در کمترین زمان بر اساس ماهیت هزینه، تصمیمات لازم را اخذ و اقدامات ضروری را انجام دهند که این موضوع نیازمند تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد است. بر این اساس نتایج نشان داد که مطابق با الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه‌ها در صنعت کفش و چرم مولفه‌های تأیید شده عبارتند از:

- کارآمدی تصمیمات مالی
- کارآمدی سواد مالی
- کنترل و کاهش هزینه‌ها
- راهبردهای موثر
- پیامدهای مدیریت هزینه

در تبیین نتایج می‌توان بیان داشت که موفقیت بخش صنعت به‌شدت به سطح سواد مالی بستگی دارد. سواد مالی به‌عنوان ظرفیت مدیران برای درک و تجزیه و تحلیل داده‌های مالی به منظور اتخاذ تصمیمات مالی تعریف می‌شود. سواد مالی را به‌عنوان توانایی ارزیابی ابزارهای مالی جدید و پیچیده و قضاوت آگاهانه در مورد انتخاب ابزارها و میزان استفاده که به نفع بلندمدت آنها باشد تعریف کرده است. سواد مالی دانش مفاهیم اساسی مالی و توانایی انجام محاسبات ساده است. اهمیت سواد مالی به‌دلیل شروع محصولات، خدمات مالی جدید، پیچیدگی بازارهای مالی و محیط اقتصادی به‌سرعت در حال تغییر اهمیت پیدا کرده است. با این حال، ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف استاندارد مشخصی از سواد مالی وجود ندارد (مابولا و پینگ، ۲۰۱۸). یکی از متداول‌ترین عوامل موفقیت شرکت‌های کفش، مدیریت هزینه است، به‌ویژه در میان شرکت‌هایی که در کشورهای در حال توسعه فعالیت می‌کنند. مشکل مدیریت هزینه که شرکت‌ها در سرتاسر جهان با آن مواجه هستند به توانایی سواد مالی آنها که مدیریت شرکت را بر عهده دارند مربوط می‌شود (ریپاین و همکاران، ۲۰۱۷). فقدان سواد مالی بر توانایی شرکت برای دستیابی به اهداف بلندمدت مانند مدیریت پول روزانه، بازنشستگی و تأمین مالی تأثیر می‌گذارد. در اصطلاح فنی از این قابلیت‌های مدیریتی به‌عنوان سواد مالی یاد می‌شود. سواد مالی به تصمیم‌گیری آگاهانه در مدیریت هزینه کمک می‌کند و به رفاه مالی بهتر فرد کمک می‌کند.

مدیریت هزینه، به معنای پیش قدم بودن در کاهش هزینه است. به صورتی که کسب و کارها و رقباى دیگر نتوانند کالا یا خدمتی را به قیمتی پایین تر از ما تولید کنند. در هر بخش از کار خدماتی و یا تولید محصول، باید عملیات با کمترین هزینه، به عنوان یک ارزش و مبنای تصمیم گیری های یک سازمان مورد توجه قرار گیرد به طور کلی، شرکتی می تواند به سمت استراتژی کنترل هزینه حرکت کند که هم در هزینه های ثابت، و هم در هزینه های متغیر، حساسیت زیادی داشته باشد و بتواند از عهدهی کنترل این هزینه ها برآید. نقش مدیران مالی به عنوان پیشگامان در استراتژی رهبری و مدیریت هزینه ها، بسیار با اهمیت است. بسیاری از سازمان ها، تنها فروش و سود را معیار مناسبی برای سنجش موفقیت مالی در نظر می گیرند. باید بدین نکته توجه کرد که بسیاری از کسب و کارهای نوظهور، به خاطر کمبود نقدینگی با شکست مواجه می شوند نه به علت پایین بودن فروش و سود. مشکل برخی از شرکت هایی که با بحران مالی جدی مواجه می شوند، حجم فروش آنان و یا قیمت تمام شده نیست. بلکه مشکل آنها از آنجایی است که ناچارند بدهی ها و هزینه ها را سریعاً پرداخت نمایند و از طرف دیگر تأخیر مشتریان در پرداخت قیمت کالا و خدمات را تحمل کنند و بپذیرند.

نتایج دیگر تحقیق در راستای پیامدهای مربوط به الگوی تصمیمات مالی و سواد مالی کارآمد برای بهبود مدیریت هزینه ها در صنعت کفش و چرم استان آذربایجان شرقی عبارتند از:

- افزایش فروش و سود شرکت
- افزایش قدرت رقابتی شرکت
- رونق صنعت کفش و چرم
- افزایش درآمدزایی
- افزایش تنوع با حفظ و ارتقای کیفیت

مزایای مدیریت هزینه و همچنین نحوه اثرگذاری مدیریت هزینه اجرایی بر اثربخشی سیستم های مدیریت هزینه پژوهش های نسبتاً مناسبی انجام شده اما در عین حال پژوهش های مرتبط با اثرگذاری مدیریت هزینه استراتژیک بر عملکرد مالی کافی به نظر نمی آید. به طور خاص، در ادبیات مدیریت هزینه اجرایی شواهد تجربی که بتواند بیانگر ارتباط بین سیستم های مدیریت هزینه و عملکرد مالی باشد، محدود و متناقض است. از جمله دلایل احتمالی این موضوع، عدم توجه پژوهش های قبلی به مدیریت هزینه ساختاری است. مدیریت هزینه ساختاری نه تنها می تواند به طور بالقوه بر عملکرد مالی تأثیرگذار باشد، بلکه می تواند به عنوان یک مداخله گر رابط بین مدیریت هزینه اجرایی و عملکرد مالی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، ابزارهای حسابداری مدیریت مورد استفاده در اندازه گیری عملکرد هزینه مدیریت هزینه اجرایی ممکن است بتواند

دانش هزینه‌ای مناسبی را برای باز طراحی مجدد زنجیره ارزش ارائه نماید. از طرفی باز طراحی ساختارهای هزینه‌ای متفاوت (مدیریت هزینه ساختاری) نیز می‌تواند باعث بهبود عملکرد مالی شود.

پیشنهاد مهم بر اساس یافته‌ها این است که توسعه و اجرای برنامه‌های آموزشی مالی جداگانه (عملی و نظری) برای افزایش سطح سواد مالی مورد توجه قرار گیرد. صنعت کفش در بخش تولید به دلیل سرمایه‌گذاری زیاد ریسک بالایی دارند، بنابراین باید آموزش‌های مکرر برای کارآفرینان بخش تولید در حوزه فعالیت آنها سازماندهی شود. از سوی دیگر پیشنهاد می‌شود مدیران و کارشناسان مالی شرکت‌ها با ارائه ابتکارات مالی که یکی از ابزارهای مهم مدیریت هزینه ساختاری بوده توجه کنند چون از این طریق می‌تواند به هماهنگی هرچه بیشتر بین منابع سازمان و ساختار هزینه مربوطه از طریق اتخاذ استراتژی‌های بلندمدت (مهندسی مجدد زنجیره ارزش و طراحی ساختارهای هزینه‌ای متفاوت) منجر شود. یکی دیگر از پیشنهادهای ضروری سیاستگذاری بر اساس نتایج مطالعه این است که درک بهتر سواد مالی عمومی و اختصاصی و عوامل تعیین کننده آن می‌تواند به بازیگرانی مانند سازمان‌های دولتی، مربیان و سایرین در سطح استان و کشور کمک کند تا سیاست‌ها را تدوین و اجرا کنند. بر اساس نتایج پیشنهاد می‌شود، سواد مالی از طریق مشوق‌های سازمانی و مالی مستمر و طراحی شده و هدفمند در بین کارکنان افزایش یابد زیرا قابلیت درک خدمات مالی و تأثیرات مثبت بر نگرش و اعتماد مردم بر تصمیم‌گیری‌های مالی ارتقا می‌بخشد لذا توصیه می‌شود در مطالعات آتی عوامل مؤثر بر مدیریت هزینه در صنعت کفش با استفاده از روش‌های سلسله مراتبی فازی مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین محققین می‌توانند میزان سواد مالی مدیران شرکت‌های فعال در صنعت کفش و چرم با استفاده از روش‌های داده کاوی بررسی کنند. این تحقیق محدود به عوامل مد نظر (تصمیمات مالی و سواد مالی) به کار گرفته شده در این تحقیق بود و چه بسا سایر عوامل تأثیرات متفاوتی بر مدیریت هزینه در شرایط مختلف همچون بحران اقتصادی داشته‌باشد.

منابع

۱. اسلامی مفید آبادی حسین، رهنمای رودپشتی فریدون، وکیلی فرد حمیدرضا، نیکومرام هاشم و طبیبی سید جمال‌الدین. (۱۳۹۸). طراحی الگوی آمیخته تصمیمات مالی در راستای توسعه‌ی بازارهای مالی ایران (مورد مطالعه: بازار سرمایه ایران). *فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۱۲(۴۳)، ۳۹-۱.
۲. جهانگیر وند عبدالحمید، شورورزی محمد رضا، نوری توپکانلو زهرا (۱۴۰۰). ارائه الگویی جهت تبیین نقش معافیت مالیاتی و تصمیمات تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بر عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذار در منطقه ویژه اقتصادی امیرآباد، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۰(۳۶)، ۳۵۳-۳۸۱.
۳. رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۳۹۵). *هزینه یابی هدف (مبنتی بر ارزش‌آفرینی): مفاهیم، فرآیند، تکنیک‌ها، ابزارهای پیاده‌سازی و اجرا*. تهران: نشر ترمه.
۴. طوطیان اصفهانی صدیقه، اسلامی مفید آبادی حسین، برخوردار الهه (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین راهبردهای خود کنترلی، سواد مالی مدیران و کیفیت تصمیم‌گیری در مسائل مالی فرایند زنجیره تأمین (مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). *فصلنامه مدیریت عملیات*، ۱۱(۱)، ۹۱-۱۳۱.
۵. کمالی بهنام. (۱۳۹۷). *مدیریت هزینه و ریسک پروژه*، تهران: نشر پندار پاس.
۶. مؤمنی سمیه، ذبیحی علی، فغانی ماکرانی خسرو (۱۴۰۰)، نقش سواد مالی در تأثیر تحمل ریسک مالی بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری فردی، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۰(۳۶)، ۴۵۵-۴۷۱.
۷. یعقوب نژاد احمد. نیکو مرام هاشم. معین‌الدین محمود. (۱۳۹۰). ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی، *مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، ۸(۲)، ۴۶-۱.
8. Callis, Z., Gerrans, P., Walker, D.L. and Gignac, G.E., 2023. The association between intelligence and financial literacy: A conceptual and meta-analytic review. *Intelligence*, 100, p.101781.
9. Cao, M.M., Nguyen, N.T., & Tran, T.T. (2021). Behavioral factors on individual investors' decision making and investment performance: A survey

- from the Vietnam Stock Market. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(3), 845-853.
10. Christelis, Dimitris, Tullio Jappelli, And Mario Padula. (2019). Cognitive Abilities and Portfolio Choice. *European Economic Review* 54, Pp. 18-38.
 11. Deb, Sujit and Singh, Ranjit. (2016). Impact of Risk Perception On Investors Towards Their Investment in Mutual Fund. *Pacific Business Review International* Volume 1, Issue 2, July 2016. Pp 16- 23.
 12. Fonseca, R., Mullen, K. J., Zamaarro, G., Zissimopoulos, J. (2012). What explains thgender gap in financial literacy? The role of household decision making. *J. Consumer Affairs* 46 (1), 90–106.
 13. Gignac, G.E. and Stevens, E.M., 2024. Attitude toward numbers: A better predictor of financial literacy and intelligence than need for cognition. *Intelligence*, 103, p.101808.
 14. Lin, C.A. and Bates, T.C., 2022. Smart people know how the economy works: Cognitive ability, economic knowledge and financial literacy. *Intelligence*, 93, p.101667.
 15. Mabula, J.B. and Han, D.P., 2018. Financial literacy of SME managers' on access to finance and performance: The mediating role of financial service utilization. *International Journal of Advanced Computer Science and Applications*, 9(9).
 16. Markey, K. Tilki, M.&Taylor, G.(2020).Practicalities in doctorate research of usingGround Theory Methodology in understanding nurse , behaviours when caring for culturally diversepatients,Nurse Education in Practice,44.
 17. Okereke RA, Mohammed Z, Emmanuel E. 2022. The role of construction cost management practices on construction organisations' strategic performance. *JPMP*. 2(1):20–39.
 18. Otero, I., Salgado, J.F. and Moscoso, S., 2022. Cognitive reflection, cognitive intelligence, and cognitive abilities: A meta-analysis. *Intelligence*, 90, p.101614.
 19. Ripain, N., Amirul, S.M. and Mail, R., 2017. Financial literacy and SMEs' potential entrepreneurs: The case of Malaysia. *Journal of Administrative and Business Studies*, 3(2), pp.60-68.
 20. Sattar, M. A., Toseef, M., & Sattar, M. F. (2020). Behavioral finance biases in investment decision making. *International Journal of Accounting, Finance and Risk Management*, 5(2), 69-79.
 21. Sun, X.(2011).Ground Theory:Theory-development in in-depth interview research.j.Xianjiaot.Univ.31(6),87-92.
 22. Tembo, C.K., Muleya, F. and Kanyemba, A., 2024. An appraisal of cost management techniques used in the construction industry. *International Journal of Construction Management*, 24(1), pp.10-18.

-
23. VanRooij, M. and Lusardi , A.(2011) Financial literacy and stock market participation”, Journal of Financial Economics, No.101, pp.449-47.
 24. Zhang, j. Ma, D.(2009).Application of Ground Theory Method in Management, pp.115-117,2.

